

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره مبارکه عادیات

استاد ضرابی دی ماه ۱۳۹۹

جلسه اول/۹/۱۰/۹۹

آیه شریفه: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان»

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

بنده در پیشگاه پروردگار رحمان و رحیم باید بداند در پی قضای چه حاجتی و درمان چه دردی می‌رود.

در سوره مبارکه حمد که خلاصه کل قرآن کریم است همه خواسته‌ها را در طلب هدایت به صراط نعمت داده شدگان جمع نموده است؛ اما در این صراط حوادث و مسائل بسیار تعیین کننده‌ای پیش آمد می‌کند که تفصیل صراط مستقیم است.

سالک طریق حق باید بداند در هر موقعی از مواقف این سفر روحانی باید چگونه عمل کند و چه موضعی داشته باشد؛ از این رو خداوند، سوره مبارکه حمد را به عدد سوره‌های قرآن کریم تفصیل داد و جزئیات این سفر الهی را بازگو نمود. هر سوره‌ای متکفل بیان مسأله‌ای از مسائل مهم است.

اکنون در سوره مبارکه عادیات یکی از ابتلائات بزرگ بشری و راه درمان آن ارائه گردیده و آن حکایت حال انسانی است که نسبت به خدای خود بسیار ناسپاس است و خود بر این امر آگاه است اما به دلیل تعلقاتش در عمل و وفای به آنچه از بایدها و نبایدها می‌داند کوتاهی می‌کند.

چنانچه موفق به درمان این درد نشود شقاوتش ابدی خواهد شد و این خطر بزرگی است که او را تهدید می‌کند. اما اینکه درمان این درد چیست به تفصیل در این سوره شریفه بحث می‌شود.

گرت چشم عقل است تدبیر گور	کنون کن که چشمت نخورده‌ست مور
کنون کوش کآب از کمر در گذشت	نه وقتی که سیلابت از سر گذشت
کنونت که چشم است اشکی بیار	زبان در دهان است عذری بیار
کنون بایدت عذر تقصیر گفت	نه چون نفس ناطق ز گفتن بخت

عنوان : جایگاه کلمه طیبه « بسم الله الرحمن الرحيم »

مکرر به خود یادآوری کرده‌ایم که سمت کلمه طیبه «بسم الله الرحمن الرحيم» برای ورود به سوره مانند سمت وضو و طهارت برای ورود به نماز است. یا همچون کلمه الله اکبر در تکبیر الإحرام نماز است که وقتی نماز گزار می‌گوید الله اکبر و خدا را از هر کس و چیزی برتر و بزرگتر می‌شمارد، نباید بی اعتنا و غافل، مشغول به غیر او باشد. که اگر چنین شد خداوند او را دروغگو شمرده و از درگاه خود می‌رانند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِذَا كَبَّرْتَ فَاسْتَصْغِرْ مَا بَيْنَ الْعُلَا وَ الثَّرَى دُونَ كِبْرِيَاءِهِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا اطَّلَعَ عَلَى قَلْبِ الْعَبْدِ وَ هُوَ يُكَبِّرُ وَ فِي قَلْبِهِ عَارِضٌ عَنْ حَقِيقَةِ تَكْبِيرِهِ قَالَ: يَا كَاذِبُ، اتَّخَذَ عَنِي؟ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لِأَحْرِ مَنَّكَ حَلَاوَةَ ذِكْرِي وَ لَأُحْجِبَنَّكَ عَنْ قُرْبِي وَ الْمَسَارَّةِ بِمُنَاجَاتِي... - چون تکبیر نماز را گفتی، آن چه را ما بین آسمان و زمین است، در مقابل کبریاء خدا کوچک و ناچیز شمار که اگر خداوند بر قلب بنده، زمانی که تکبیر می‌گوید، بنگرد و در دل او چیزی باشد که از حقیقت معنای تکبیر باز می‌دارد، به او گوید: ای دروغگو آیا مرا می‌فریبی؟ به عزت و جلال سوگند که از شیرینی یاد خود محرومت کنم و از قرب به خود و شادمانی مناجاتم محجوبت سازم. پس به هنگام نماز گزار دنت دل خود را بیازما، اگر شیرینی نماز را و در عمق جان، سرور و بهجت حاصل از

آن را می‌یابی و دلت از راز و نیاز با او شادمان است و از گفتگو با او لذت می‌برد، بدان که خداوند، تو را در تکبیری که بر زبان رانده‌ای، تصدیق فرموده است؛ وگرنه، بدان که فقدان لذت مناجات و محرومیت از شیرینی عبادت دلیل بر این است که خداوند تو را در تکبیرت دروغگو دانسته و از درگاه خود رانده است.» (بحارالانوار، ج ۸۱، ص)

بد میکنی و نیک طمع می داری همه بد باشد سزای بدکاری
با اینکه خداوند کریم است و رحیم گندم ندهد بار، چو جو میکاری

عنوان : طلب اخلاص

اکنون که می‌دانیم برای چه امر مهمی به دامن رحمانیت و رحیمیتش پناه می‌بریم، خالصانه از او می‌خواهیم بارالها بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد، و در این امر ما را موفق بدار و نگذار تکیه‌ای بر سعی و تلاش و علم و دانش و تجربه و فهم خود و هیچ چیز دیگر داشته باشیم؛ تنها و تنها به تو تکیه می‌کنیم، به ما فهم و عمل خوب آنچنان که رضایت تو فراهم آید عنایت بفرما.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا نَسْأَلُنِي عَدَاً عَنْهُ، وَ اسْتَفْرِغْ أَيْامِي فِيمَا خَلَقْتَنِي لَهُ - خداوندا مرا بی نیاز کن از چیزی که مرا به خودش مشغول می کند و مرا به کاری وادار کن که فردای قیامت از آن سوال خواهی کرد و عمر مرا فارغ کن برای آن چه که مرا برای آن خلق کرده ای.» (امام سجاد علیه السلام، دعای مکارم الاخلاق)

ابراهیم بن میمون گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا - بار خدایا! مرا بر هراس روز رستاخیز یاری نما و از دنیا سالم و درست بیرون بر، و از حور العین جفت من کن و خرج خودم و عیالم را کفایت کن و به رحمتت مرا در زمره بندگان خوبت در آور.» (الكافي، جلد ۲، صفحه ۵۷۸)

یا رب زکرم بر من درویش نگر تو محتشمی بر من دل ریش نگر

هر چند گنهكار و پریشان حالم بر من منگر بر كرم خویش نگر

بردار خدایا ز كرم بار گناه در روز فروماندگی از دوش همه

عنوان : ترك كننده بسم الله مانند ترك كننده نماز است

در حدیث دیگری می خوانیم که امام هادی (علیه السلام) به یکی از کارگزاران خود مسائل متعددی را خاطر نشان ساخت. بعد به او فرمود: «حال بگو ببینم چه می گویی؟» او نتوانست آنچه را شنیده بود تکرار کند. امام دوات را پیش کشید و نوشت «بسم الله الرحمن الرحيم ان شاء الله به خاطر داشته باش که همه کارها به دست خدا است...». او می گوید: من این ماجرا را که دیدم تبسم کردم. امام (علیه السلام) فرمود: «چرا تبسم کردی؟» عرض کردم: خیر است. فرمود: «توضیح بده» گفتم: فدایت شوم این کار شما مرا به یاد حدیثی که یکی از اصحاب از جدت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نقل کرد، انداخت. او هنگامی که دستور برای انجام کاری می داد؛ می نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم به خاطر داشته باش ان شاء الله...» سپس مطالب مورد نیاز را می نوشت، لذا تبسم کردم. امام (علیه السلام) به من فرمود: «لَوْ قُلْتُ إِنَّ تَارِكَ التَّسْمِيَةِ كَتَارِكَ الصَّلَاةِ لَكُنْتُ صَادِقًا. اگر بگویم ترك كننده بسم الله مانند ترك كننده نماز است راست گفته ام» (بحار، ج ۷۳، ص ۵۰، باب ۱۰۲)؛

طبيب عشق مسيحا دمست و مشفق ليك چو درد در تو نبيند كرا دوا بكند

تو با خدای خود انداز كار و دل خوش دار كه رحم اگر نكند مدعی خدا بكند

عنوان: ثواب گفتن و گناه نگفتن « بسم الله الرحمن الرحيم »

در حدیث قدسی می خوانیم که: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ... إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ - جَلَّ جَلَالُهُ - : بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي، وَ حَقٌّ عَلَيَّ أَنْ أُتِمَّمَ لَهُ أَمْرُهُ وَ أُبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ؛ - خداوند می فرماید: «... هرگاه بنده بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم، خدای متعال می گوید: بنده من با نام من آغاز کرد. بر من است

که کارهایش را به انجام رسانم و او را در همه حال، برکت دهم» (امالی صدوق ص ۱۷۷۴)

در روایت آمده است که عبدالله بن یحیی وارد مجلس امیرمؤمنان علی(علیه السلام) شد و در برابر او تختی بود؛ حضرت دستور فرمود: روی آن بنشیند. ناگهان تخت واژگون شد و او به زمین افتاد و سرش شکست و خون جاری شد. امیر مؤمنان(علیه السلام) دستور داد آب آوردند و خون را شستند سپس فرمود: «نزدیک بیا»، بعد دست مبارك را بر آن گذاشت نخست احساس درد شدیدی کرد، و بعد شفا یافت! سپس فرمود: «شکر خدایی را که گناهان شیعیان ما را در دنیا با حوادث ناگواری که برای آنها پیش می آید می شوید و پاك می کند!».

عبدالله عرض کرد: ای امیرمؤمنان! مرا آگاه کردید؛ اگر بفرمایید من چه گناهی مرتکب شده ام که این حادثه ناگوار برایم پیش آمد تا دیگر تکرار نکنم خوشوقت می شوم. فرمود: «هنگامی که نشستی «بسم الله الرحمن الرحيم» نگفتی، مگر نمی دانی رسول خدا(صلی الله علیه وآله) از ذات پاك پروردگار برای من چنین نقل فرموده: هرکار با اهمیتی که بسم الله در آن گفته نشود نافرجام و بی عاقبت است». عبدالله گفت: «فدایت شوم من بعد از این هرگز آن را ترك نمی کنم». امام(علیه السلام) فرمود: «در این صورت بهره مند و سعادتمند خواهی شد». (بحار، ج ۷۳، ص ۳۰۵، باب ۵۸)

ای بار خدا بحق هستی	شش چیز بما عطا فرستی
ایمان و امان و تندرستی	علم و عمل و فراخ دستی